



Res. article

The Analysis of Transitivity in Persian child Language from perspective of Hopper and Thompson Theory

Faeghe karimi¹, Arsalan Golfam^{2✉}, Mahnaz Karbalaie Sadegh³

1- Ph.D. Student of Linguistics, Science and Research Branch, Islamic Azad University Tehran, Iran.

2- Associate Professor of Linguistics, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. 3- Assistant Professor of Linguistics, Science and Research Branch, Islamic Azad University Tehran, Iran.

Received: 2019/17/12 Accepted: 2020/13/04

Abstract

Since transitivity is a crucial and applied concept in language and discourse, its analysis can provide answers to many questions in child language studies. Transitivity in semantic-discoursal approach of Hopper and Thompson theory involves a number of components, only one of which is the presence of an object of the verb. The other components are the punctuality and telicity of the verb, the agency of the participant, and the affectedness of the object. To this end, 100 declarative clauses from 4 children around 3 were analyzed. We analyzed different parameters of Hopper and Thompson theory in Persian child language to see if there are any differences in identified parameters between child and adult language. Properties of the prototypical transitivity and its occurrence in Persian child language were also studied. The data analysis method was descriptive-analytic. The results showed all components of Hopper and Thompson theory have morphosyntactic and semantic manifestations in Persian child language. Features such as participants, kinesis, volitionality and affectedness of the object have higher frequency in child language than that of the adults which result in higher transitivity of clauses in child language. All ten parameters identified in this theory are present in the prototypical transitive clauses in Persian child language. The prototype of a transitive construction in child language involves an animate being (perhaps the child itself) acting on an animate object.

Keywords: child language, transitivity, prototype of transitivity, agent, patient.

Citation: karimi, F., Golfam, A., Karbalaie Sadegh, M. (2020). The Analysis of Transitivity in Persian child Language from perspective of Hopper and Thompson Theory. *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 8 (30), 49-68. (In Persian)





بررسی گذرایی در گفتار کودک فارسی‌زبان از منظر انگاره نظری هاپر و تامسون

فائقه کریمی^۱، ارسلان گلغام^۲، مهناز کربلایی صادق^۳

۱- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران. ۲- دانشیار زبان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. ۳- استادیار زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران.

پذیرش: ۱۳۹۸/۹/۲۶

دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۵

چکیده

از آنجاکه گذرایی مفهوم مهم و کاربردی در زبان و گفتار است، بررسی آن در گفتار کودک می‌تواند پاسخ‌گویی مسائل زیادی در حوزه زبان‌آموزی کودک باشد. گذرایی در رویکرد معنایی - گفتمانی هاپر و تامسون براساس معیارهای متفاوتی تعریف می‌شود که یکی از آن‌ها حضور مفعول است. از دیگر معیارها می‌توان به عناصری همچون لحظه‌ای بودن و غایت‌مندی عمل، عاملیت کنش‌گر و میزان تأثیرپذیری مفعول اشاره کرد. در نوشتار پیش رو مؤلفه‌های مطرح‌شده در نظریه هاپر و تامسون در گفتار کودک فارسی‌زبان بررسی شده است و اینکه آیا تفاوتی از لحاظ مؤلفه‌های مذکور بین گفتار کودک و بزرگسال وجود دارد. تعیین مشخصات سرنمون گذرایی در گفتار کودک و میزان فراوانی آن در پیکره داده‌ها از دیگر مسائل بررسی‌شده در این پژوهش بود. به این منظور پیکره‌ای شامل صد بند خبری از گفتار چهار کودک فارسی‌زبان حدود سه سال بررسی شد. روش تحلیل داده‌های پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی بوده است. تحلیل پیکره پژوهش نشان داد که گفتار کودک فارسی‌زبان می‌تواند معیارها و مؤلفه‌های هاپر و تامسون را در خود داشته باشد که به صورت‌های مختلف معنایی یا واژنحوی بروز یابد. مؤلفه‌های مشارکان در عمل، ارادی بودن، جنبشی بودن عمل و تأثیرپذیری مفعول در گفتار کودک نسبت به بزرگسال امتیاز بیشتری کسب کردند که بیان‌گر درجه گذرایی بالاتر بندهای گفتار کودک نسبت به بزرگسال است. سرنمون گذرایی در گفتار کودک شامل یک کنش‌گر (به‌طور معمول خود کودک) و یک شیئی بی‌جان است که تمام معیارهای ده‌گانه هاپر و تامسون در آن قابل بازیابی است.

کلیدواژه‌ها: زبان کودک، گذرایی، سرنمون گذرایی، کنش‌گر، کنش‌پذیر.

استناد: کریمی، فائقه؛ گلغام، ارسلان؛ کربلایی صادق، مهناز (۱۳۹۹). بررسی گذرایی در گفتار کودک فارسی‌زبان از منظر انگاره نظری هاپر و تامسون. فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران، ۸ (۳۰)، ۴۹-۶۸.



۱- مقدمه

پدیده‌گذاری^۱ از دیرباز در کانون توجه متفکران و اندیشمندان عرصه زبان قرار داشته است. در واقع این پدیده با نمودهای زبانی خاص خود از دوران باستان توجه را به سوی خود جلب کرده و سبب شده است که در این عرصه اظهارنظرهایی مطرح شود. طبقه‌بندی افعال به دو دسته گذرا و ناگذرا، در آن دوران مطرح و به عصر حاضر نیز کشیده شده است و در بسیاری از دستورهای موجود قابل مشاهده است. در این تعبیر، گذرایی براساس حضور مفعول برای یک فعل تعریف می‌شود، به این ترتیب که فعل یا مفعول می‌گیرد یا نمی‌گیرد و براساس این، دو طبقه گذرا و ناگذرا به وجود می‌آید. بررسی‌ها نشان می‌دهد که گاهی مفعول در جایگاه نهاد قرار می‌گیرد و با وجود حضور مفعول در جمله، مفهوم ناگذرا از آن مستفاد می‌شود یا گره‌زدن گذرایی به مجهول‌سازی سبب می‌شود که نیافتن معادل مجهول برای جمله‌ای به ظاهر گذرا، توجیهی نداشته باشد. مشکل دیگر عدم پابندی افعال به طبقات گذرا و ناگذرا است. به عبارت دیگر برخلاف تقسیم‌بندی اولیه دوگانه، افعالی هم هستند که مدام بین این دو طبقه در حرکت بوده و هم گذرا و هم ناگذرا نامیده می‌شوند. بر این اساس رویکرد نقش‌گرائی با ملاحظات نقش‌گرایانه در بررسی مقوله گذرایی به کار گرفته شد و توانست برخی از ابهام‌ها و مشکلات را حل کند.

هاپر و تامسون^۲ (۱۹۸۴) گذرایی را نه در قالب فعل و مفعول، بلکه براساس مؤلفه‌های متعدّد معنایی توضیح دادند که حضور همین مؤلفه‌های گوناگون سبب شد که تعبیر دو شقی گذرایی به شکلی پیوستاری تغییر یابد. هاپر و تامسون معتقدند مشخصه‌های گذرایی در تمام زبان‌های مورد بررسی آن‌ها، به شکلی همگانی و نظام‌مند قابل بازیابی‌اند. براساس ملاک‌های ارائه‌شده هیچ بند خبری مثبتی امتیاز صفر ندارد و حداقل با گرفتن یک امتیاز، در پیوستار گذرایی باقی می‌ماند. به این ترتیب بسیاری از داده‌های زبان که در رویکرد سنتی در حوزه ناگذرا قرار می‌گرفت، حالا در پیوستار گذرایی قرار گرفته و این خود سبب توجیه برخی موارد نقض رویکرد سنتی می‌شود.

گیون^۳ (۱۹۸۶: ۵۶۵) به‌مثابه زبان‌شناسی که در حوزه زبان‌شناسی نقش‌گرا فعالیت می‌کند، برای تعبیر گذرایی سه عنصر مرکزی را لازم می‌داند که عبارت‌اند از عامل، پذیرا و فعل. وی بیان می‌دارد که در

1. transitivity

2. P. Hopper & S. Thomspon

3. T. Givon

جمله گذرا، عنصری به نام عامل وجود دارد که همان کنش‌گر صاحب اراده و شروع‌کننده یا آغازگر عمل فعل است که فعلاً به انجام عمل اقدام می‌کند و مسئول وقوع فعل و روی دادن عمل است. پذیرا یا کنش‌پذیر بخش اساسی دیگری است که به نظر گیون اراده و کنترلی ندارد و تغییرات ناشی از عمل فعل را نشان می‌دهد. فعلی که در جمله گذرا حضور می‌یابد، فعلی منسجم و لحظه‌ای است که زمان و نمود دستوری دارد.

کامری^۱ (۱۹۸۹) ساخت گذرایی را ساختی می‌داند که جریان اطلاعات در آن شامل دو چیز، عامل و کنش‌پذیر یعنی دو گروه اسمی متمایز می‌شود. او ساخت ناگذرا را ساختی حاوی یک موضوع یا یک گروه اسمی می‌داند. اشرف^۲ (۱۹۹۴) بیشتر به اشکالات و نارسایی‌های تعبیرشده در رویکرد سنتی می‌پردازد؛ از جمله اینکه رویکرد سنتی، گذرایی را در جملاتی باور دارد که در آن‌ها عملی از فاعل به مفعول منتقل نمی‌شود و فقط حالتی در آن‌ها واقع می‌شود یا اینکه در داده‌های زبانی، معادل مجهول را برای جملاتی می‌توان یافت که خارج از حوزه گذرایی قرار می‌گیرند. به نظر اشرف در رویکرد سنتی گذرایی نمی‌توان بین جنبه‌های معنایی (انتقال عمل) و جنبه‌های صرفی و نحوی (احتمال مجهول‌سازی و حضور مفعول) تمایز قائل شد. لیچ^۳ (۲۰۰۶: ۱۱۴-۱۱۵) با توجه هم‌زمان به ملاحظات ساختاری و معنایی، فعل گذرا را فعلی می‌داند که برای کامل شدن معنایش به مفعول نیاز دارد. مثالی که لیچ از فعل گذرا می‌دهد فعل *Make* است؛ مانند:

1) The new bakery on the 4th street makes excellent bagels.

همچنین او فعل ناگذرا را فعلی می‌داند که به مفعول نیاز نداشته باشد؛ مانند:

2) The first attempt failed.

وی همچنین از دسته سوم یاد می‌کند که هم گذرا و هم ناگذرا هستند:

3) Some one opened the door.

4) The door opened.

و یادآور می‌شود که لیچ هم به قابلیت مجهول‌شدن افعال گذرا اشاره‌ای دارد. به نظر می‌رسد که او هم آرای پیشینیانش را درباره دو مقوله گذرا و ناگذرا پذیرفته است. در واقع او مفعول را همان گروه اسمی می‌داند که در جایگاه پس از فعل در زبان انگلیسی می‌نشیند. حق‌بین (۱۳۸۲) معیارهای هاپر و

1. B. Comrie

2. R. E. Asher

3. G. Leech

تامسون را ذیل عنوان رویکرد نقش‌گرا بررسی کرده است. راسخ‌مهند (۱۳۸۶) گذرایی را مشخصه و معیاری فرض می‌کند که باعث تقابل میان افعال گذرا و ناگذرا می‌شود. به‌باور او گذرابودن، یعنی نیاز به مفعول‌داشتن؛ بنابراین فعل گذرا فعلی است که نیاز به مفعول دارد و فعل ناگذرا فعلی است که این نیاز را ندارد.

گلفام (۱۳۸۹) افعال گذرا را فعل‌هایی می‌داند که هسته گزاره‌ای باشند و حضور مفعول در ساختار آن گزاره ضروری است. او مفعول مستقیم را براساس ملاحظات معنایی تعریف می‌کند و آن را سازه یا گروه اسمی می‌داند که به‌طور مستقیم تحت تأثیر عملکرد فعل واقع شده است. گلفام بر پیوستاری بودن مقوله گذرایی اذعان می‌کند و این حالت را ناشی از عملکرد دوگانه فعل معرفی می‌کند. بهرامی خورشید (۱۳۹۷: ۳۴) گذرایی از میان پژوهش‌های مبتنی بر نقش‌گرایی به مقاله‌های هاپر و تامسون اشاره و بیان می‌کند انگاره‌های هاپر و تامسون متفاوت از رویکرد صورت‌گراست؛ زیرا گذرایی در نظر آن‌ها مفهومی نسبی و مدرج است. بر همین اساس آن‌ها ده مؤلفه معنایی تعریف کرده‌اند. وی بیان می‌دارد با این وصف، جمله‌نیما به در ضربه زد، گذراتر از جمله‌مینا شکلات دوست دارد است. جمله اول بدان دلیل گذراتر است که در آن با نوعی کنش روبه‌رو هستیم که غایت‌مند است، عمل لحظه‌ای است و در آن دو مشارک مجزاً وجود دارد، مفعول فردیت دارد و به‌طور کامل از کنش متأثر است. جمله دوم میزان کمتری از گذرایی را دارد؛ زیرا در آن کنشی وجود ندارد و عمل لحظه‌ای نیست.

با توجه به بنیادی بودن پدیده گذرایی در زبان و گفت‌مان، بررسی این پدیده در گفتار کودک می‌تواند پاسخ‌گوی مسائل زیادی در حوزه زبان‌آموزی کودک باشد. پژوهش حاضر در پی محک گفتار کودک فارسی زبان است تا مشخص شود که به چه اندازه می‌توان تناسبی بین گفتار کودک فارسی زبان و معیارهای ده‌گانه هاپر و تامسون یافت؟ تعیین مشخصات سرنمون گذرایی در گفتار کودک و میزان فراوانی آن در پیکره از دیگر مواردی است که نوشتار پیش رو به دنبال آن است. به این منظور پیکره‌ای شامل صد بند خبری مثبت از گفتار کودکان استخراج شده است. سعی بر آن بوده که از جملات تکراری پرهیز شود تا دامنه وسیع‌تر و متنوع‌تری از بندها بررسی شود. با راهنمایی مربی مهد، چهار کودک که از روابط اجتماعی بالاتری برخوردار بودند از رده سنی حدود سه سال انتخاب شدند.

دراثر تعامل زیاد پژوهش‌گر با کودکان و جلب اعتماد ایشان، کودک به راحتی برون‌داد زبانی داشت. بدین ترتیب که تمامی گفتار خودانگیخته کودک ثبت می‌شد و در گردآوری همواره سعی بر آن بود برای تولید طبیعی گفتار، کودک تا حد امکان از وجود ضبط صوت و یادداشت‌برداری آگاه نشود؛ در ضمن در

صورت لزوم از آزمایش‌ها، بازی‌های زبانی یا پرسش و پاسخ و کتاب‌های داستان نیز استفاده شده است. درزمینه فراگیری زبان به‌وسیله کودک فارسی‌زبان، پژوهش‌های آخشینی (۱۳۷۱)، طاهری اسکویی و نعمت‌زاده (۱۳۹۵) و صحرایی (۱۳۸۷) قابل استناد است؛ ولی در هیچ‌یک از پژوهش‌ها مؤلفه‌های گذرایی در گفتار کودک بررسی نشده است. در اثر حاضر، پس از بیان طرح پژوهش، به پیشینه مطالعاتی پیرامون گذرایی پرداخته‌ایم. بخش دوم به چارچوب نظری مورد استفاده اختصاص دارد. در بخش سوم بندها براساس معیارهای پیش‌گفته تحلیل می‌شوند. بخش نتیجه‌گیری به ارائه گزارشی از مقاله و جمع‌بندی نتایج حاصل از پژوهش اختصاص دارد.

۲- انگاره نظری هاپر و تامسون

هاپر و تامسون (۱۹۸۴) با تجزیه و تحلیل داده‌هایی از زبان‌های مختلف با ارائه ده مشخصه، مقوله گذرایی را بررسی کردند. به باور هاپر و تامسون، جستجوی گذرایی باید در بند صورت گیرد و خلاصه‌کردن این مفهوم براساس فعل و مفعول نمی‌تواند مبنای صحیحی برای شناسایی گذرایی باشد. دخالت دادن متن در تفهیم بحث گذرایی ریشه در رویکرد نقش‌گرایانه این دو دارد. آن‌ها برای ارتباط تنها صورت زبانی را کافی نمی‌دانند و عوامل کلامی و کاربرد شناختی را در کنار صورت زبانی برای ارتباط و درک پیام لازم می‌دانند. چنین ملاحظاتی هاپر و تامسون را به عوامل ده‌گانه‌ای رهنمون می‌سازد که همگی در راستای توضیح میزان کارایی عملی^۱ است که رخ می‌دهد. هرچه تعداد عوامل ده‌گانه حاضر در جمله بیشتر باشد، میزان کارایی عملی واقع‌شده بیشتر بوده و به همان نسبت درجه گذرایی بالا می‌رود. با بررسی‌هایی که این دو در زبان‌های مختلف داشته به این نتیجه رسیده‌اند که «گذرایی ویژگی کانونی، مرکزی و اصلی برای کاربرد زبان است» و تظاهر دستوری و معنایی گذرایی از نقش گفتمانی این پدیده مشتق می‌شود (هاپر و تامسون، ۱۹۸۴: ۲۵۱)

۲-۱- معیارهای ده‌گانه هاپر و تامسون در مورد گذرایی

مشخصه‌های ده‌گانه‌ای که هاپر و تامسون مطرح کرده‌اند به‌قرار زیر است:

۲-۱-۱- مشارکان در عمل^۲

تعداد افراد شرکت‌کننده در عمل بر شدت و ضعف گذرایی تأثیر مستقیم دارد. اگر تعداد مشارکان دو

1. effectiveness

2. participants

نفر یا بیشتر باشد، شدت گذرایی بالاتر می‌رود. به این ترتیب اگر یک نفر در عمل شرکت داشته باشد، درجه گذرایی بسیار پایین می‌آید.

۲-۱-۲- جنبشی بودن عمل^۱

منظور از جنبشی بودن عمل، انتقال عمل یا رویداد از شرکت‌کننده‌ای به شرکت‌کننده دیگر است که با گذرایی بالا، رابطه مستقیم دارد. به این ترتیب چنانچه حالتی روی دهد و انتقال عمل از شرکت‌کننده‌ای به شرکت‌کننده دیگر واقع نشود، درجه گذرایی پایین می‌آید. مثال‌های زیر مفهوم حرکت و جنبش در عمل را بهتر نشان می‌دهد؛ مانند (هاپر تامسون، ۱۹۸۴: ۲۵۲)

5) I hugged sally.

6) I liked sally.

۷) من مریم را در آغوش گرفتم.

۸) من مریم را دوست دارم.

در جملات (۵ و ۷) انتقال عمل به‌طور کامل قابل مشاهده است و درجه گذرایی در آن بالاست؛ در حالی که در جملات (۶ و ۸) انتقالی صورت نمی‌گیرد به این ترتیب درجه گذرایی پایین است.

۲-۱-۳- نمود^۲

این مشخصه به میزان تداوم رخداد فعل در محور زمان اشاره دارد؛ به عبارت دیگر، چنانچه بتوان برای رخدادی نقطه پایانی متصور شد، آن رویداد نمود کامل^۳ دارد؛ یعنی رخداد فعل به لحاظ زمانی مقید است. نقطه مقابل نمود کامل، نمود ناقص^۴ نامیده می‌شود که در آن نمی‌توانیم برای رویداد فعل نقطه پایانی فرض کنیم؛ به بیان دیگر، در نمود ناقص فعل فرایندی ممتد و نامقید دارد و در محور زمان گستره‌ای را به خود اختصاص می‌دهد. به نظر هاپر و تامسون (۱۹۸۴: ۲۵۲) وقتی نمود فعل کامل است، عمل آن به شکل مؤثرتری از شرکت‌کننده‌ای به شرکت‌کننده دیگر انتقال می‌یابد و در نتیجه درجه گذرایی بالا می‌رود. برعکس چنانچه فعل نمود ناقص داشته باشد، رویدادش تأثیر کمتری دارد و درجه گذرایی پایین می‌آید.

1. kinesis

2. aspect

3. telic

4. atelic

9) I ate it up.

10) I am eating it.

(۱۱) من میوه خوردم.

(۱۲) من میوه می‌خوردم.

در جمله‌های (۹ و ۱۱) که عمل خوردن به پایان رسیده است، تأثیرگذاری شرکت‌کننده اوّل کامل و انتقال صورت گرفته است؛ در نتیجه درجه گذرای بالاست؛ اما در جمله‌های (۱۰ و ۱۲) نمود فعل ناقص بوده و رویداد خوردن به صورت فرایندی مستمر و ممتد بیان شده است و هیچ اشاره‌ای به نقطه پایان عمل ندارد، به این ترتیب درجه گذرای پایین می‌آید.

۲-۱-۴- لحظه‌ای بودن^۱

لحظه‌ای بودن عمل، به در لحظه انجام شدن عمل فعل اشاره دارد؛ یعنی تحقق فعل در یک لحظه (آنی) اتفاق می‌افتد بدون مرحله گذر آشکار میان تولید و انجام آن. اعمال لحظه‌ای تأثیر بیشتر و مشخص‌تر شرکت‌کننده‌ای بر شرکت‌کننده دیگر را نشان می‌دهد؛ به عبارت دیگر، عمل لحظه‌ای درجه گذرای را بالا می‌برد. مثل فعل لگدزدن که تأثیرگذاری اش بیشتر است؛ اما فعل حمل کردن فعل زمان‌بری است و تأثیرگذاری اش کمتر می‌شود (هاپر و تامسون، ۱۹۸۴: ۲۵۲).

۲-۱-۵- ارادی بودن^۲

بر اساس این معیار، چنانچه کاری با اراده و از روی عمد و اختیار کنش‌گر انجام شود، تأثیر بیشتری بر شرکت‌کننده کنش‌پذیر می‌گذارد و در نتیجه درجه گذرای بالا می‌رود؛ (هاپر و تامسون، ۱۹۸۴: ۲۵۲).
مانند

13) I wrote your name.

14) forgot your name.

(۱۵) من اسم شما را نوشتم.

(۱۶) من اسم شما رو فراموش کردم.

جملات (۱۳ و ۱۵) مبین عمل نوشتن است که اختیاری پشت آن نهفته است که در جملات (۱۴ و

(۱۶) این اختیار را نمی‌توان یافت.

1. punctuality

2. volitionality

۲-۱-۶- اثبات^۱

پارامتر اثبات به مثبت بودن بند اشاره دارد و آن را در تعیین گذرایی مؤثر می‌داند، به این ترتیب از بین جملات مثبت و منفی، ساخت منفی از گذرایی کمتر و ساخت مثبت از گذرایی بالاتری برخوردار است. با وجود این پارامتر، جملات پرسشی، امری و خبری منفی از حوزه بررسی‌های گذرایی خارج می‌شوند.

۲-۱-۷- وجه^۲

مفهوم وجه در دستور با مفهومی که هاپر و تامسون از وجه ارائه می‌دهند متفاوت است. در حالی که ذیل واژه وجه در دستور، وجوه اخباری، التزامی، امری و تعجبی قرار می‌گیرند، این مشخصه در رویکرد هاپر و تامسون به تمایز میان واقعی و غیر واقعی بودن رمزگذاری وقایع در زمان بازمی‌گردد. عملی که واقع نشده یا روی نداده یا در جهانی مجازی واقع شده باشد، تأثیر کمتری دارد تا عملی که در واقعیت و جهان واقع رخ داده باشد و به این ترتیب درجه گذرایی پایین می‌آید.

(۱۷) میوه خوردم.

(۱۸) شاید میوه خورده باشم.

در جمله (۱۷) وقوع فعل، واقعی و قطعی است و از درجه گذرایی بالاتری برخوردار است؛ اما در جمله (۱۸) وقوع فعل قطعی نیست و با احتمال همراه است؛ بنابراین درجه گذرایی پائین می‌آید.

۲-۱-۸- عاملیت (کنش‌گری)^۳

این ویژگی به توان کنش‌گری شرکت‌کننده عامل اشاره دارد. به این صورت که شرکت‌کننده‌ای با توان کنش‌گری بالا می‌تواند سبب تأثیر بیشتری ناشی از رویداد فعل و انتقال عمل شود و درجه گذرایی را ارتقاء دهد؛ بنابراین، چنانچه کنش‌گری شرکت‌کننده عامل از درجه پایینی برخوردار باشد و شرکت‌کننده کنش‌گر توانایی انجام عمل را نداشته باشد، یا تأثیری نخواهد گذاشت یا تأثیر کمتری خواهد داشت و درجه گذرایی پایین خواهد آمد (هاپر و تامسون، ۱۹۸۴: ۲۵۲)؛ مانند:

19) George startled me.

20) The Picture Startled me.

1. affirmation

2. mode

3. agency

(۲۱) مریم مرا ترساند.

(۲۲) فیلم مرا ترساند.

در جملات (۱۹ و ۲۱) شرکت‌کننده عامل عملی قابل درک با نتیجه‌ای قابل درک انجام می‌دهد، اما به نظر می‌رسد در جملات (۲۰ و ۲۲) به حالتی درونی اشاره می‌شود تا عمل و نتیجه‌ای قابل درک.

۲-۱-۹- تأثیرپذیری مفعول^۱

در این بخش تمرکز بر شرکت‌کننده دوم است که به آن کنش‌پذیر می‌گویند. در واقع میزان انتقال عمل به کنش‌پذیر نشانه‌ای از تأثیرگذاری کامل یا ناقص عمل فعل بر آن (شرکت‌کننده دوم) است. هرچه میزان تأثیرگذاری بر کنش‌پذیر بیشتر باشد، درجه گذرایی بالاتر است (هاپر و تامسون، ۱۹۸۴: ۲۵۳).

23) I drank up the milk.

24) I drank some of the milk.

(۲۵) من تمام شیر را نوشیدم.

(۲۶) من مقداری از شیر را نوشیدم.

در جمله‌های (۲۳ و ۲۵) شیر کاملاً تحت تأثیر قرار گرفته و درجه گذرایی بالاست؛ اما در جمله (۲۴ و ۲۶) این تأثیرپذیری کامل نیست و درجه گذرایی پایین می‌آید.

۲-۱-۱۰- استقلال (فردیت) مفعول^۲

هاپر و تامسون (۱۹۸۴: ۲۵۳) با این ویژگی به دو مفهوم اشاره می‌کنند:

الف) استقلال مفعول (کنش‌پذیر) از عامل (کنش‌گر)؛

ب) استقلال مفعول از پس‌زمینه؛

ویژگی‌هایی که باعث تمایز و استقلال بین کنش‌گر و کنش‌پذیر می‌شود به شرح ذیل است: کنش‌پذیر خاص باشد؛ انسان و جاندار باشد؛ عینی و ذات باشد؛ مفرد باشد؛ قابل شمارش باشد؛ ارجاعی و معرفه باشد؛

هاپر و تامسون می‌کوشند تا نشان دهند که مفعولی با مشخصه‌های مفعول مستقل، بیشتر تحت تأثیر قرار می‌گیرد و انتقال عمل درمورد آن شدیدتر است؛ بنابراین درجه گذرایی در بندهایی با چنین مفعول‌هایی بالاتر می‌رود (هاپر و تامسون، ۱۹۸۴: ۲۵۳).

1. affectedness of object

2. individuation of object

27) Fritz drank the beer.

28) Fritz drank some beer.

(۲۹) احمد چای را نوشید.

(۳۰) احمد مقداری چای نوشید.

به نظر می‌رسد که هاپر و تامسون در جملات (۲۷ و ۲۹) با تأکید بر معرفه‌بودن مفعول، درجه بالاتری از گذرایی را در این جمله انتظار دارند.

در مورد وجود مشخصه جاننداری و بی‌جانی برای شرکت‌کننده دوم (کنش‌پذیر)، هاپر و تامسون بر این باورند که وجود کنش‌پذیر جاندار سبب می‌شود که تأثیر عمل فعل روی کنش‌پذیر و حتی گاهی اوقات روی کنش‌گر مورد توجه قرار گیرد (هاپر و تامسون، ۱۹۸۴: ۲۵۳).

31) I bumped in to Charles.

32) I bumped in to the tables.

(۳۳) من به مریم خوردم.

(۳۴) من به میز خوردم.

در جمله‌های (۳۱ و ۳۳) شنونده به دنبال تأثیر عمل فعل روی گوینده یا حتی روی چالز است؛ اما در جمله‌های (۳۲ و ۳۴) شنونده در پی میزان تأثیرپذیری میز نیست؛ بلکه فقط به دنبال آن است که چه بر سر کنش‌گر آمده است.

۳- تجزیه و تحلیل داده‌ها

مجموعه پیکره صد بند است که از بین جملات خبری مثبت گزینش شده‌اند. جملات پرسشی دارای پرسش‌واژه و جملات پرسشی به/خیر و جملات امری در پیکره قرار نگرفته‌اند؛ زیرا این دسته از جملات در بررسی هاپر و تامسون مورد نظر نبوده‌اند. برای هر کدام از بندهای صدگانه جدولی رسم شده و در آن معیارهای ده‌گانه هاپر و تامسون به ترتیب شماره نوشته شده است. چنانچه معیاری در بند یافت شود، امتیاز مثبت به آن تعلق خواهد گرفت. در پایان امتیازات جمع و نمره‌ای ثبت می‌شود. گرفتن امتیاز (۱۰) به وسیله یک بند ما را به سرنمون گذرایی رهنمون می‌کند و امتیازات پایین‌تر از (۱۰) براساس نقصان عناصر و معیارها از درجه و شدت گذرایی می‌کاهد. همان‌طور که پیش‌تر مطرح شد، در رویکرد معنایی - گفتمانی هاپر و تامسون، گذرایی به شکل پیوستاری مطرح می‌شود و تقسیم‌بندی دوتایی گذرا و ناگذرا نداریم.

از کل بندهای مورد بررسی، به تحلیل توصیفی (۸) بند بسنده می‌شود:

بند (۱): من بچه بودم این جوری شکستمش. (سام، سه سال و یک ماه)

این بند که کودک با اشاره به اسباب‌بازی خود بیان کرده، رخدادی را توصیف می‌کند که در آن کنش‌گر عامل دارای اراده‌ای، کنش‌پذیر مستقلی را تحت تأثیر قرار داده است و کنش‌پذیر تحت تأثیر رخداد فعل دست‌خوش تغییر فیزیکی شده است. عمل کنش‌گر حرکت داشته، لحظه‌ای بوده و به پایان رسیده است. فعل مثبت است و وجه واقعی هم دارد.

به این ترتیب تحلیل بند (۱) را می‌توان در جدول (۱) نشان داد:

جدول (۱). تحلیل جمله اول

ردیف	معیار	تحلیل معیار	ردیف	معیار	تحلیل معیار
۱	مشارکان در عمل	+	۶	اثبات	+
۲	جنبشی بودن	+	۷	وجه واقعی	+
۳	نمود (غایت‌مندی)	+	۸	عاملیت	+
۴	لحظه‌ای بودن	+	۹	تأثیرپذیری مفعول	+
۵	ارادی بودن	+	۱۰	استقلال مفعول	+
جمع مؤلفه‌ها: ۱۰					

کسب امتیاز (۱۰) با بند (۱)، آن را به سرنمون گذرایی تبدیل می‌کند.

بند (۲): انداختمش پایین. (سام، سه سال و یک ماه)

این بند را که کودک در جواب *مادادت چیکار کردی؟* بیان کرده، تمام موارد بند (۱) را دارد؛ یعنی طی آن کنش‌گر دارای اراده، کنش‌پذیر مستقلی را تحت تأثیر قرار داده، عمل کنش‌گر حرکت داشته، لحظه‌ای بوده و به پایان رسیده است. نکته‌ای که در مورد این جمله می‌توان بیان کرد، تأثیرپذیری مفعول است. هاپر و تامسون به روشنی تأثیرپذیری را تعریف نکرده‌اند. در واقع باید گفت تأثیرپذیری براساس فعل‌های متفاوت تعابیر متفاوتی پیدا می‌کند. در این بند، تأثیرگذاری فعل *انداختن* بر کنش‌پذیر در حد جابه‌جاکردن فیزیکی است و این جابه‌جاکردن، تأثیر فیزیکی بر خود کنش‌پذیر ندارد و فقط به لحاظ مکانی تغییر ایجاد می‌کند. چنانچه این بند را با بند (۱) مقایسه کنیم که اسباب‌بازی کودک تحت عمل شکستن به قطعاتی تبدیل شده و تغییر شکل داده است، مفهوم تأثیرگذاری و تأثیرپذیری قابل تأمل می‌نماید. می‌توان گفت تأثیرگذاری در بند، رابطه مستقیمی با محمول^۱ دارد.

جدول (۲). تحلیل جمله دوم

ردیف	معیار	تحلیل معیار	ردیف	معیار	تحلیل معیار
۱	مشارکان در عمل	+	۶	اثبات	+
۲	جنبشی بودن	+	۷	وجه واقعی	+
۳	نمود (غایت‌مندی)	+	۸	عاملیت	+
۴	لحظه‌ای بودن	+	۹	تأثیرپذیری مفعول	+
۵	ارادی بودن	+	۱۰	استقلال مفعول	+
جمع مؤلفه‌ها: ۱۰					

امتیاز اخذشده این بند نیز (۱۰) است که آن را به سرنمون گذرایی تبدیل می‌کند.

بند (۳): قد من از تو بلندتره. (سام، سه سال و یک ماه)

این بند رویدادی را توصیف نمی‌کند؛ بلکه به بیان حالتی می‌پردازد. حرکت، تأثیرپذیری و استقلال مفعول، عاملیت، کنش‌گری و کنش‌پذیری از این بند قابل‌بازیابی نیست. سایر عناصر همچون لحظه‌ای بودن و غایت‌مندی را نیز در این بند نمی‌توان یافت. تنها عناصر موجود در این بند، عنصر اثبات و وجه واقعی هستند.

جدول (۳). تحلیل جمله سوم

ردیف	معیار	تحلیل معیار	ردیف	معیار	تحلیل معیار
۱	مشارکان در عمل	-	۶	اثبات	+
۲	جنبشی بودن	-	۷	وجه واقعی	+
۳	نمود (غایت‌مندی)	-	۸	عاملیت	-
۴	لحظه‌ای بودن	-	۹	تأثیرپذیری مفعول	-
۵	ارادی بودن	-	۱۰	استقلال مفعول	-
جمع مؤلفه‌ها: ۲					

بند (۳) امتیاز (۲) از جدول الگوی هاپر و تامسون به‌دست آورده که در پیوستار گذرایی از درجه بسیار پایینی برخوردار است؛ اما همچنان گذرا به‌شمار می‌رود.

بند (۴): گاوہ علف می‌خوره. (ثنا، سه سال و سه ماه)

در این بند کنش‌گر عامل دارای اراده، کنش‌پذیری مستقل را تحت تأثیر قرار می‌دهد. عمل فعل دارای حرکت بوده و زمان‌بر است. اثبات و وجه واقعی به‌وسیله فعل از عناصر موجود در بند است. غایت‌مندی از بند مستفاد نمی‌شود که نتیجه حضور فعلی با زمان حال در بند است.

جدول (۴). تحلیل جمله چهارم

ردیف	معیار	تحلیل معیار	ردیف	معیار	تحلیل معیار
۱	مشارکان در عمل	+	۶	اثبات	+
۲	جنبشی بودن	+	۷	وجه واقعی	+
۳	نمود (غایت‌مندی)	-	۸	عاملیت	+
۴	لحظه‌ای بودن	-	۹	تأثیرپذیری مفعول	+
۵	ارادی بودن	+	۱۰	استقلال مفعول	+

جمع مؤلفه‌ها: ۸

براساس امتیاز به‌دست‌آمده، این بند کمابیش از درجه بالای گذرایی برخوردار است.

بند (۵): تو پارک بازی کردم. (ثنا، سه سال و سه ماه)

در این بند شرکت‌کننده‌ای با ارادهٔ عامل، عملی را به‌پایان رسانده است. عملی که لحظه‌ای نبوده و دارای وجه واقعی و مثبت است. در عمل بیان‌شده در این بند، حرکت و جنبش نیز وجود دارد. کنش‌پذیری در این بند وجود ندارد؛ بنابراین سخن از تأثیرپذیری و استقلال آن هم نمی‌توان کرد. به این ترتیب تحلیل بند (۵) را می‌توان در جدول (۵) نشان داد.

جدول (۵). تحلیل جمله پنجم

ردیف	معیار	تحلیل معیار	ردیف	معیار	تحلیل معیار
۱	مشارکان در عمل	-	۶	اثبات	+
۲	جنبشی بودن	+	۷	وجه واقعی	+
۳	نمود (غایت‌مندی)	+	۸	عاملیت	+
۴	لحظه‌ای بودن	-	۹	تأثیرپذیری مفعول	-
۵	ارادی بودن	+	۱۰	استقلال مفعول	-

جمع مؤلفه‌ها: ۶

درحالی که بند (۵) نمره (۶) را از جمع ملاک‌ها به‌دست می‌آورد، باید آن را در زمرهٔ بندی با درجهٔ گذرایی کمابیش خوب دانست. درحالی که اثری از کنش‌پذیر، تأثیرپذیری آن و استقلال آن وجود ندارد. در رویکرد سنتی فعل بازی‌کردن در حوزهٔ فعل‌های ناگذرا قرار می‌گرفته؛ اما در این رویکرد نه‌تنها عنوان ناگذرا را ندارد؛ بلکه در پیوستار گذرایی جایگاه خوبی را به‌دست آورده است.

بند (۶): مامان، مثلاً تو گرگی، من بچهٔ گرگ. (ثنا، سه سال و سه ماه)

این بند اسنادی است که در آن کنش‌گر عامل دارای اراده و کنش‌پذیری که تحت تأثیر قرار گیرد

وجود ندارد. فعل دارای وجه واقعی نیست؛ زیرا این مشخصه در رویکرد هاپر و تامسون به تمایز بین واقعی بودن و غیر واقعی بودن رمزگذاری وقایع در زمان بازمی‌گردد. عملی که واقع نشده یا در جهانی مجازی و غیر واقعی تحقق یافته باشد، به روشنی تأثیر کمتری دارد تا عملی که در واقعیت و جهان واقع رخ داده باشد. عناصر غایت‌مندی و لحظه‌ای بودن نیز از بند مستفاد نمی‌شود؛ بنابراین اثبات، تنها عنصر موجود در بند است.

جدول (۶). تحلیل جمله ششم

ردیف	معیار	تحلیل معیار	ردیف	معیار	تحلیل معیار
۱	مشارکان در عمل	-	۶	اثبات	+
۲	جنبشی بودن	-	۷	وجه واقعی	-
۳	نمود (غایت‌مندی)	-	۸	عاملیت	-
۴	لحظه‌ای بودن	-	۹	تأثیرپذیری مفعول	-
۵	ارادی بودن	-	۱۰	استقلال مفعول	-
جمع مؤلفه‌ها: ۱					

براساس جدول، این بند در پیوستار گذرایی دارای امتیاز (۱) شده است و درجه گذرایی بسیار پایینی دارد؛ اما هنوز گذرا محسوب می‌شود.

بند (۷): خاله، حسین می‌گه تو بلد نیستی. (ثنا، سه سال و سه ماه)

در توصیف رویداد این بند کنش‌گر دارای اراده حضور دارد. بند بعد از فعل گفتن به لحاظ ساختاری و معنایی کنش‌پذیر مستقل به‌شمار می‌رود؛ کنش‌پذیری مستقل اما فاقد تأثیرپذیری. عمل زمان‌بر (فاقد مؤلفه لحظه‌ای بودن) است، اثبات و وجه واقعی هم از بند مستفاد می‌شود؛ بنابراین جدول زیر را براساس تحلیل پیش‌گفته می‌توان رسم کرد.

جدول (۷). تحلیل جمله هفتم

ردیف	معیار	تحلیل معیار	ردیف	معیار	تحلیل معیار
۱	مشارکان در عمل	+	۶	اثبات	+
۲	جنبشی بودن	-	۷	وجه واقعی	+
۳	نمود (غایت‌مندی)	-	۸	عاملیت	+
۴	لحظه‌ای بودن	-	۹	تأثیرپذیری مفعول	-
۵	ارادی بودن	+	۱۰	استقلال مفعول	+
جمع مؤلفه‌ها: ۶					

بند (۸): خاله، ابوالفضل هلم می ده. (باران، سه ساله)

در این بند، کنش پذیر تأثیر پذیر مستقل تحت تأثیر کنش گر عامل دارای اراده قرار می گیرد. عناصر حرکت و لحظه ای بودن از بند به دست می آید. عنصر غایت مندی از مواردی است که از بند بازیابی نمی شود.

جدول (۸). تحلیل جمله هشتم

ردیف	معیار	تحلیل معیار	ردیف	معیار	تحلیل معیار
۱	مشارکان در عمل	+	۶	اثبات	+
۲	جنبشی بودن	+	۷	وجه واقعی	+
۳	نمود (غایت مندی)	-	۸	عاملیت	+
۴	لحظه ای بودن	+	۹	تأثیر پذیری مفعول	+
۵	ارادی بودن	+	۱۰	استقلال مفعول	+
جمع مؤلفه ها: ۹					

کسب امتیاز (۹) برای این بند نشانه گذرایی بسیار بالاست.

نتایج حاصل از بررسی مؤلفه ها در کل پیکره گفتار کودک جدول زیر را به دست می دهد:

جدول (۹). فراوانی مؤلفه ها در گفتار کودک

ردیف	مؤلفه ها	فراوانی	درصد فراوانی
۱	مشارکان در عمل	۵۸	۵۸٪
۲	جنبشی بودن	۶۲	۶۲٪
۳	نمود (غایت مندی)	۴۰	۴۰٪
۴	لحظه ای بودن عمل	۳۰	۳۰٪
۵	ارادی بودن	۸۲	۸۲٪
۶	اثبات	۱۰۰	۱۰۰٪
۷	وجه (واقعی بودن عمل)	۹۴	۹۴٪
۸	عاملیت (کنش گری)	۸۲	۸۲٪
۹	تأثیر پذیری مفعول	۵۳	۵۳٪
۱۰	استقلال مفعول	۶۱	۶۱٪

پورملکی (۱۳۹۵) صد بند خبری از پایگاه داده های زبان فارسی پژوهشگاه علوم انسانی را تحلیل کرده است. او نتایج حاصل از بررسی مؤلفه های مورد نظر هاپر و تامسون در پیکره داده های زبان فارسی را به شرح زیر گزارش می دهد:

جدول (۱۰). فراوانی مؤلفه‌ها در گفتار بزرگسال

ردیف	مؤلفه‌ها	فراوانی	درصد فراوانی
۱	مشارکان در عمل	۴۱	٪۴۱
۲	جنبشی بودن	۴۶	٪۴۶
۳	نمود (غایت‌مندی)	۶۲	٪۶۲
۴	لحظه‌ای بودن عمل	۲۳	٪۲۳
۴	ارادی بودن	۶۰	٪۶۰
۶	اثبات	۱۰۰	٪۱۰۰
۷	وجه (واقعی بودن عمل)	۶۲	٪۶۲
۸	عاملیت (کنش‌گری)	۶۴	٪۶۴
۹	تأثیرپذیری مفعول	۲۶	٪۲۶
۱۰	استقلال مفعول	۴۴	٪۴۴

مقایسه دو جدول نشان می‌دهد که فراوانی معیار مشارکان در عمل در گفتار کودک (٪۵۸) و در گفتار بزرگسال، (٪۴۱) است؛ به عبارتی در گفتار کودک، درصد بیشتری از جملات دارای دو شرکت‌کننده (کنش‌گر و کنش‌پذیر) هستند. تبیین شناختی این یافته به این صورت است که کودک در حدود یک‌سالگی صحنه‌های مربوط به زندگی روزمره را بارها دیده و در ذهن خود ذخیره کرده است؛ برای مثال بارها دیده که چیزی از دست کسی افتاده و می‌شکند یا کسی چیزی را درون ظرف می‌ریزد. به تدریج کودک صحنه‌هایی را که دیده است به اجزای تشکیل‌دهنده‌شان تجزیه می‌کند و هر جزء را با یک نشانهٔ زبانی مرتبط می‌کند (کنش‌گر و کنش‌پذیر) و از ابزارهای نحوی مانند ترتیب واژه‌ها برای مشخص نمودن نقش هر یک از اجزاء استفاده می‌کند.

از دیگر یافته‌های پژوهش حاضر این است که با وجودی که زبان فارسی زبانی با آرایش کمابیش آزاد کلمات است و در گفتار بزرگسال مواردی همچون *غدا* / *رو من خوردم* یافت می‌شود (که کنش‌پذیر پیش از کنش‌گر قرار گرفته)، پژوهش‌گر ضمن بررسی گفتار کودکان همواره شاهد آرایش کنش‌گر + کنش‌پذیر بود و حتی یک مورد که کنش‌پذیر پیش از کنش‌گر قرار بگیرد در گفتار کودک یافت نشد. این یافته در پژوهش کریمی (۱۳۸۹) نیز تأیید شده است که کودک تمایلی به جابه‌جایی جایگاه هسته نسبت به متمم‌های خود ندارد و همواره شکل بی‌نشان آرایش کلمات را به کار می‌برد.

براساس جدول (۹)، (٪۶۲) از بندهای خبری استخراج‌شده از گفتار کودکان دارای فعل جنبشی (حرکتی) هستند. در گفتار بزرگسال فراوانی این مؤلفه (٪۴۲) است. افعال جنبشی طبق تعریف هاپر و

تامسون افعالی هستند که در آن‌ها کنش یا حرکت وجود دارد و می‌توانند از شرکت‌کننده‌ای به شرکت‌کننده دیگر منتقل شوند. این افعال در مقابل افعال اسنادی (بیان‌کننده حالت) از درجه گذرایی بالاتری برخوردارند؛ به این ترتیب چنانچه حالتی روی دهد و انتقال عمل از شرکت‌کننده‌ای به شرکت‌کننده دیگر واقع نشود، درجه گذرایی پایین می‌آید. نمونه افعال جنبشی به‌کاررفته در گفتار کودک شامل زدن، کشتن، خریدن، گذاشتن، افتادن و رفتن هستند. این یافته نیز با دیگر پژوهش‌های زبان‌شناسی هم‌سو است که در روند فعل‌آموزی کودک فارسی‌زبان، ابتدا طبقه افعال حرکتی ظاهر می‌شود و از بیشترین بسامد برخوردار است (طاهری اسکویی و نعمت‌زاده، ۱۳۹۵).

بسامد زیاد افعال جنبشی و درک‌نکردن معنای ضمنی برخی افعال به‌وسیله کودک نشان می‌دهد که در آغاز بیشتر پدیده‌های ملموس و غیر انتزاعی در ذهن کودک وجود دارد؛ به‌عبارت دیگر، کودک پدیده‌های ملموس و غیر انتزاعی را سریع‌تر یاد می‌گیرد؛ همچنین (۴۰٪) از جملات در گفتار کودک نمود کامل دارند و اغلب جملات (۶۰٪) نمود ناقص داشته و به‌صورت فعل زمان حال ظاهر شده‌اند؛ به‌عبارت دیگر، فعل زمان حال در افعال فارسی، بنیادی‌تر از فعل زمان گذشته است. این نکته در دیگر پژوهش‌های زبان کودک نیز تأیید شده است (طاهری اسکویی و نعمت‌زاده، ۱۳۹۵؛ صحرائی، ۱۳۸۷) و با یافته‌های رده‌شناختی و تمایلی غالب در بیشتر زبان‌های بشری هم‌سو است که چه‌بسا تبیین پردازشی دارد.

(۸۲٪) از جملات گفتار کودک کنش‌گر عامل دارای اراده دارند. تمایل به‌سمت فاعل جاندار در تمامی گفتار کودک آشکار است. تمایل به‌سمت فاعل جاندار (شامل خود کودک) در دیگر پژوهش‌های زبان کودک نیز تأیید شده است (دادسون و توماسلو^۱، ۱۹۹۸: ۶۰۸).

(۹۴٪) از بندهای مورد بررسی گفتار کودک، وجه واقعی دارند. فراوانی مؤلفه وجه واقعی در گفتار بزرگسال (۶۲٪) است. حضور حداقلی بندهایی با مفهوم شرط، آرزو و تخیل در گفتار کودک در چنین بازه سنی نیز مؤید این ادعاست که کودک در آغاز پدیده‌های ملموس و غیرانتزاعی را بهتر درک می‌کند. (۱۲٪) از بندهای کلّ پیکره گفتار کودک امتیاز (۱۰) کسب کرده‌اند و سرنمون گذرایی به‌شمار می‌روند. پورملکی (۱۳۹۵) فراوانی (۵٪) را برای سرنمون گذرایی در گفتار بزرگسال گزارش کرده است. تبیین شناختی این پدیده به این صورت است که توانش زبانی اولیه کودک از راه صحنه‌های مهم

زندگی و تجربیات کودک شکل می‌گیرد. اسلوبین^۱ (۱۹۸۹) معتقد است در رشد گفتار اولیه کودک دو صحنه مهم یکی فعالیت‌های فیزیکی است که یک جاندار، وضعیت شیء بی‌جان را تغییر می‌دهد (مانند هل دادن، باز کردن، پرتاب کردن، شکستن و...) و دیگری صحنه حرکت است که کسی یا چیزی از مبدایی به سمت مقصد حرکت می‌کند (مانند افتادن، آمدن، رفتن و...). در بسیاری از زبان‌های زنده دنیا، گفتار اولیه کودک در قالب جملاتی است که این دو منظره را رمزگذاری می‌کنند.

از مجموعه معیارهای ده‌گانه هاپر و تامسون، مؤلفه‌هایی را در زبان فارسی می‌توان یافت که نمود واژنحوی دارند؛ به عبارت دیگر، تمام مؤلفه‌های نام‌برده شده در زبان فارسی معنایی نیستند. از مواردی که نمود واژنحوی دارند می‌توان به عبارت زبانی مربوط به مشارکان اشاره کرد. از آنجاکه زبان فارسی زبانی ضمیرانداز است، حضور شناسه‌های فعلی همواره ما را به فاعل راهنمایی می‌کند. در زبان فارسی وجه اخباری برای بیان واقعیت به کار می‌رود و نشان‌دهنده وجه واقعی فعل است که نمود واژنحوی دارد. زمان دستوری گذشته و گذشته کامل نشان‌دهنده تکمیل عمل و به پایان رساندن آن است. نمودهای استمراری و نمود ناقص در برابر نمود کامل نشان از ناتمام ماندن عمل دارند؛ بنابراین در زبان فارسی مشخصه غایت‌مندی نیز نمود واژنحوی دارد.

۴- نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر گذرایی در گفتار کودک فارسی‌زبان از منظر نظریه گذرایی هاپر و تامسون بررسی شده است. پژوهشی با این ویژگی در پی محک گفتار کودک است تا مشخص شود که به چه اندازه می‌توان تناسبی بین جملات گفتار کودک فارسی‌زبان و معیارهای ده‌گانه هاپر و تامسون یافت و دیگر آنکه چه تفاوتی از لحاظ معیارهای پیش‌گفته در گفتار کودک نسبت به بزرگسال وجود دارد. تحلیل پیکره پژوهش نشان داد که داده‌های گفتار کودک می‌تواند معیارها و مؤلفه‌های ده‌گانه هاپر و تامسون را در خود داشته باشد که به شکل‌های مختلف معنایی یا واژنحوی بروز یابد. (۱۲٪) از بندهای کل پیکره امتیاز (۱۰) کسب کرده‌اند و سرنمون گذرایی به‌شمار می‌روند.

در سرنمون گذرایی در واقع تمام معیارهای مربوط به مشارکان و فعل حائز امتیاز مثبت می‌شوند. بررسی این بندها نشان می‌دهد که سرنمون گذرایی در گفتار کودک شامل یک کنش‌گر جاندار (به‌طور معمول خود کودک) و یک کنش‌پذیر بی‌جان (اشیاء، مواد خوراکی و...) است. فعل‌های سرنمون

گذرایی در گفتار کودک فارسی‌زبان شامل زدن، کشتن، شکستن، خوردن، گذاشتن و خریدن هستند. مؤلفه مشارکان در عمل در گفتار کودک فراوانی بیشتری نسبت به بزرگسال دارد؛ به این معنی که کودک در بندهای بیشتری از دو شرکت‌کننده کنش‌گر و کنش‌پذیر استفاده می‌کند که کنش‌گر با اراده و اختیار موجب تغییر فیزیکی کنش‌پذیر می‌شود.

درصد افعال جنبشی به‌کاررفته در گفتار کودک بیشتر از بزرگسال است. این یافته با دیگر پژوهش‌های زبان‌شناسی هم‌سو است که در روند فعل‌آموزی کودک فارسی‌زبان ابتدا افعال طبقه حرکتی ظاهر می‌شود و از بیشترین بسامد برخوردار است. بیشتر جملات گفتار کودک (۸۲٪) کنش‌گر عامل دارای اراده دارند. تمایل به سمت فاعل جاندار (شامل خود کودک) در تمامی بندها آشکار است. حضور حداقلی بندهایی با مفهوم شرط، آرزو و تخیل در گفتار کودک در چنین بازه سنی مؤید این ادعاست که کودک در آغاز پدیده‌های ملموس و غیر انتزاعی را بهتر درک و تولید می‌کند. در مجموع فراوانی بیشتر مؤلفه‌های مشارکان در عمل، ارادی‌بودن و جنبشی‌بودن عمل و تأثیرپذیری مفعول در گفتار کودک نسبت به بزرگسال بیان‌گر درجه گذرایی بالاتر بندهای گفتار کودک نسبت به بزرگسال است.

منابع

- آخسینی، علی (۱۳۷۱). توسعه فعل مرکب در کودک فارسی‌زبان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- بهرامی خورشید، سحر (۱۳۹۷). نمابرداری عامل تعیین‌کننده در گذرایی. فصلنامه زبان و شناخت، ۳ (۴)، ۳۱-۵۴.
- پورملکی، صدیقه (۱۳۹۵). رده شناسی گذرایی در زبان فارسی. نوشهر: ناسنگ.
- حقیقین، فریده (۱۳۸۲). بررسی صوری، نقشی و شناختی تعالی در زبان فارسی. رساله دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- راسخ‌مهند، محمد (۱۳۸۶). ساخت ناگذرا در فارسی. مجله زبان و زبان‌شناسی، ۳ (۱)، ۱-۱۹.
- طاهری اسکویی، مرجان و شهین نعمت‌زاده (۱۳۹۵). رشد جنبه معنایی فعل در کودک فارسی‌زبان: مطالعه طولی. مجله توانبخشی، ۱۷ (۲)، ۱۱۷-۱۰۷.
- صحرائی، رضامراد (۱۳۸۷). فراگیری نحو در زبان کودک از منظر زبان‌شناسی زایشی. رساله دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- کریمی، فائقه (۱۳۸۹). تثبیت پارامترها در فراگیری گفتار کودک فارسی‌زبان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه الزهراء تهران.

گلفام، ارسال (۱۳۸۹). اصول دستور زبان. تهران: سمت.

References

- Asher, R. E. (1994). *Encyclopedia Of language and Linguistics. Vol 1-10* , Pergarmon Press.
- Carnie, A. (2006). *Syntax, a Generative Introduction*. oxford press.
- Comrie, B. (1989). *Language Universals and Linguistic Typology*. Black Well Press.
- Dodson, K. & M. Tomasello (1998). Acquiring the Transitive Construction in English: The Role of Animacy and Pronoun. *Child Language*, 25 (3), 605-622.
- Givon, T. (1986). *Syntax, a Functional Typology Introduction*. John Benjamin Press.
- Hopper, P. J. & S. A. Thompson (1984). Transitivity in grammar and discourse. *Language*, 56 (2), 251-299.
- Leech, G. (2006). *A glossary of English grammar*. Edinberg university press.
- Slobin, D. I. (1989). Cross Linguistic Evidence for the Language Making Capacity and Bowerman. *Child Language*, 16 (2), 456-466.